

یادداشت

فامیلی صیاد براننده اوست



حسین گنجی منتقد

● «در طول تاریخ همواره متن غالب بوده، امروزه اما عکس غالب شده است و در صورت چیرگی تصاویر، بی‌سوادی نمودی جدید خواهد یافت»؛ ولیم فلوئر، فیلسوف، روزنامه‌نگار و عکاس، با آوردن این عبارت در کتاب «در باب فلسفه عکاسی»، خیلی آرام ما را به جهانی دعوت می‌کند که دیگر سواد در خواندن و نوشتن متن خلاصه نمی‌شود و اگر ما نتوانیم عکس‌ها را بخوانیم و از تصاویر برداشت معنای نداشته باشیم، بی‌سواد خوانده خواهیم شد.

دلیل این اهمیت‌یافتن را باید در چند شاخه مختلف جست‌وجو کرد.

این هجوم بی‌محابی تصویر به زندگی امروز ما از زمانی آغاز شد که متن‌ها به تنهایی قادر به بیان تمام آنچه دیده می‌شود، نبود و نتوانست عمق واقعه و آنچه را می‌بیند، بازگو کند. الکن‌بودن متن در مواقعی نسبت به عکس، یکی از دلایل اهمیت‌یافتن عکس است. از سوی دیگر، متن صداقت خود را رفته‌رفته از دست داد و عکس رفته‌رفته در معکوس این مسیر صدقانه‌بودن خود را بیش از هر چیزی تحمل کرد؛ البته تا زمانی که فتوشاپ هنوز سر بر نیاورده بود و این موضع تصویر را خدشه‌دار نکرده بود. هرچند برای تمیزدادن سره از ناسره، تصویر حقیقی از فتوشاپ و غیرواقعی هنوز تکنولوژی در توان حضور دارد.

دلیل دیگری که متن را در حاشیه و تصویر را میدان‌دار کرده است، بیان بی‌قضاوت و بی‌طرفد جزئیات است؛ جزئیاتی که شاید در متن هرگز به رشته تحریر درنیاید و اگر هم بیاید، نمی‌تواند چنین قدرتی را که در تصویر دارد، داشته باشد.

عکس‌ها روایتگران بهتری بوده‌اند؛ حتی برای همین تاریخ کوتاه‌مدت صدساله‌ای که عکس حضور و بروز جدی داشته است و کسانیکه در این مسیر عکاسی برای عکاسی نکرده و نخواسته‌اند و سعی کرده‌اند روایت بزرگ‌ترین رویدادهای زمانه و جامعه خود را با شکار لحظه‌ها و نتاجش از فراموشی و فوت به دست بگیرند، صیادانی بوده‌اند که ماهی‌گیری برایشان یک تفریح یا یک مد آرمانش‌بخش یا رفع حاجت نبوده است، بلکه آنها این ماهی‌ها را برای روزهایی گرفته‌اند که این رودخانه دیگر شاهدش نخواهد بود. اگر زمانه هر فرد همچون رودخانه‌ای از کنارش در حال گذر باشد، شکار چند ماهی می‌تواند شکار چند لحظه درخشان از تاریخ این رودخانه تلقی شود. کاری که محمد صیاد که فامیلی براننده‌ای هم دارد، به‌خوبی در پرتلهاب‌ترین روزهای تاریخ معاصر ایران بر عهده داشته است. او از زمانی که دوربین را شناخت، به روایت عکس‌هایش و نه خودش (که کمتر حرف زده است، همان‌طور که از هر عکاس حرفه‌ای چنین انتظار می‌رود)، به‌درستی نقش شکارچی را یا به‌پشتوانه فامیلی‌اش صیادی را بر عهده گرفت و سعی کرد صدای جامعه‌اش به اعتبار شغل و حرفه خبری و روایتگر زمانه‌اش به اعتبار خاصیت عکس و ذات عکاسانه داشته باشد.



کاری که امروز با آنچه در گالری نبشی به نمایش گذاشته شده، بدون هیچ توضیحی نمود یافته است و برای خوانش و تماشای درست آنها همان‌طور که در ابتدای متن اشاره کردم، نیاز به آموختن و دستیابی به سواد تازه‌ای است؛ سوادیکه ما را به خوانش درست این تصاویر نزدیک می‌کند؛ سوادیکه شاید سراغ آن را باید در جایی میان جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، فلسفه، مردم‌شناسی، هنر و خاصه نشانه‌شناسی جست‌وجو کرد. عدم تسلط بر این وجوه مختلف و بی‌توجهی بهبعاد خارج از تصویر، ما را در سطح یک شاهد معنای سطحی عکس‌ها پایین می‌آورد و تسلط بر آنها ما را به روایت‌هایی از واقعه نزدیک می‌کند که تاکنون هیچ متنی از آن روایتی به دست تاریخ نداده است. روایتی که قطعا رگه‌های قضاوت در آنها کم‌رنگ‌تر، واقعیت‌نگاری در آنها بیشتر و درنهایت پنجره‌ای رو به وسعت معنایی و درک بهتر آن زمانه و رویداد را به مخاطب خود بی‌درج می‌بخشد. کاری که متن‌نویسان از روزنامه‌نگاران تا تاریخ‌نویسان تا پژوهشگران دیگر علوم انسانی از توان گفتش عاجز و ناتوان هستند. محمد صیاد به این اعتبار و از این مجرای یک روایت دسته اول و ناب از انقلاب، جنگ و مردمان و زیست انسانی آن زمانه در اختیار ما آیندگان آن دوران قرار داده است که می‌توان و یقین دارم در آینده تفسیر و متن‌های بسیاری از میانه آنها نگاشته و منتج خواهد شد؛ متن‌هایی که باید پایه‌یای تصویر قدرتمندتر و گویاتر شوند تا بتوانند زبان تصویر را به نوشتن نزدیک کنند. محمد صیاد در مسیر تسلط بر این زبان و کشف هجاهای پس و پشت تصویر، خود مجذوب و صید واقعه‌ها شد و نتوانست تنها به چند عکس خبری اکتفا کند.

ادامه در صفحه ۷

گروه هنر: هفت سال زمان کمی برای توقیف مجموعه‌ای که قرار بود بخشی از تاریخ معاصر کشورمان را تصویر کند، نیست. حالا نزدیک به هفت سال است که ظاهرا امید حل‌وفصل اختلاف‌های موجود بر سر پخش مجموعه تلویزیونی «سرزمین کهن» هم کم‌رنگ شده و مشخص نیست این سریال به آتن شبکه سه سیما برمی‌گردد یا اینکه باید تا سال‌های مجموعه و اتفاقاتی که حول‌وحوش آن در جریان بوده و هست را به فراموشی سپرد؟ «سرزمین کهن» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه‌کنندگی محمد مسعود از دی‌ماه سال ۹۲ آغاز شد و ۲۴ دی‌ماه نخستین قسمت از این مجموعه از شبکه سه سیما پخش شد تا تاریخ سیاسی و اجتماعی کشورمان از سال ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی را در بستر زندگی یا پس‌ریچه به تصویر بکشد. فقط چند قسمت از این مجموعه از آتن شبکه سه سیما پخش شد که با انبوهی از اعتراضات قوم‌بختیاری روبه‌رو شد و البته ۷۰ نفر از نمایندگان (تکرک، لر، کرد، بلوچ، عرب و...) مجلس شورای اسلامی، با بیانیه‌ای خواستار توقف توهین‌های مکرر صداسیما به مردم بختیاری شدند. از سوی دیگر، توجه مقامات و شخصیت‌های سیاسی ازجمله محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به این سریال هم از دیگر نکات عدم پخش «سرزمین کهن» بود. ایشانیوز دراین‌باره نوشت: «دکتر محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با عزت‌الله ضرغامی، رئیس سازمان صداوسیما، در خصوص سریال سرزمین کهن و نگرانی و اعتراضات نخبگان بختیاری مبنی‌بر تحریف تاریخ بختیاری در این سریال، تذکر دادند. دکتر محسن رضایی در خصوص اعتراضات گسترده صورت‌گرفته به روند سریال سرزمین کهن، با درپایان علی شمشانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت‌وگو داشته‌ند. در این گفت‌وگو دکتر محسن رضایی با اشاره به حساسیت‌های صورت‌گرفته پیرامون این سریال، خواستار پیگیری موضوع از سوی شورای عالی امنیت ملی با توجه به دغدغه‌های ایجادشده شدند. دبیر شورای امنیت ملی نیز در پاسخ دکتر محسن رضایی، از پیگیری موضوع در اسرع وقت در شورای عالی امنیت ملی خبر دادند».

توقف پخش «سرزمین کهن» تنها راهکاری بود که مدیران تلویزیون در آن زمان برای جلوگیری از اعتراضات گسترده‌تر در نظر گرفتند. در آن زمان تولیدکنندگان مجموعه سعی داشتند با ارائه توضیحی از سوءتفاهم پیش‌آمده حرف بزنند. اما این توضیحات کافی نبود و پای عزت‌الله ضرغامی، مدیر وقت سازمان صداوسیما به ماجرا باز شد و در نامه‌ای، تذکراتی را خطاب به علی دارابی، معاون وقت سیما ابلاغ کرد. در بخشی از این نامه تأکید شده بود: «متأسفانه برابردنستن نام خانوادگی بختیاری با قوم

سارا آقا**بابایان**: آرامش و ثبات مقطعی جهان، دهه ۹۰ میلادی را در همه حوزه‌ها به عصر شکوفایی تبدیل کرد؛ از جمله برای هالیوودی که به‌منظور برآوردن تقاضای بازارهای نوظهور، مولود دوران پساجنگ سرد و رشد اقتصاد بین‌المللی، از خاور دور گرفته تا آمریکای لاتین و رفق احتیاجش به تولیدات بیشتر و متنوع‌تر، فیلم‌نامه‌های مسکوت‌مانده و پیرریسک را از باگیانی درآورد و به جوانانی خوش‌فکر سپرد. حاصل این میدان‌دهی، دوران پربرکت بدندان‌های کم‌خرج و پرفروشی همچون رستگاری در شاوشنک، هفت، مظنونین همیشگی، محرمانه لس‌آنجلس، حسن ششم و... بود که به واسطه فیلم‌نامه‌های مهیج متکی بر پیچش‌های داستانی غافلگیرکننده که ساختارهای معمول ارائه داده‌ها طبق روایت خطی سینمایی را به هم می‌ریخت، دستاوردهایی مادی و معنوی را نصیب سازندگانش کرد. کریستوفر نولان جزء استعدادهایی است که در این گشایش وارد سازوکار هالیوود شد، ولی بیش از هم‌نسلان خود در این عرصه تثبیت شد؛ به نحوی که تا به امروز پس از دو دهه با وجود غروب ستاره بخت بسیاری از جوانان آن دوره، همچنان نولان همین ممتاز جریان اصلی سینما تلقی می‌شود. راز ماندگاری نولان، علاوه‌بر پتانسیلی که در فیلم کوتاه «دودلباگ» و فیلم نیمه‌حرفه‌ای «تعقیب» بروز داده بود، در نخستین اثر جدی‌اش هویداست؛ اثر تحسین‌برانگیز «ممنتو» که با ترندفد یک روایت غیرخطی، حافظه مخاطبش را برای ردگیری سرخ‌ها درگیر می‌کرد، از تمام آثار مشابه هم‌دوره‌اش حاوی رویکرد حرفه‌ای‌تر و بهینه‌تری بود؛ نه همچون «دیگران» الخاندرو آمنه‌بار قابل تقلید بود و نه همچون «برگشت‌ناپذیر» کاسپورنونه با بیانی شخصی و تجربی، ژست فاصله‌مندی از جریان اصلی سینما می‌گرفت. همین دورخیز سنجیده نولان متضمن ثبات و ماندگاری او در دو دهه آینده در سطح اول سینمای جهان محسوب می‌شود. این درایت نولان برای حفظ مقبولیتش نزد کارگزاران صنعت کسب‌وکار سینما در کنار مغز متفکر پشت‌پرده‌ای به نام جاناتان نولان که موتور مولد ایده‌ها و فیلم‌نامه‌های خلاقانه بود و به‌سبب پیوند محکم برادری با نفر اول‌نبودن مشکلاتی نداشت (تا مثل کی‌پرمو آریاگا در نیمه راه دست‌آیناترو را در پوست گردو بگذارد و یک دهه دچار فترتش کند)، ادامه مسیر را برای نولان هموار کرد. اتفاق فکر پرذکاوت نولان‌ها (با همراهی اما توماس، همسر کریستوفر) پس از ساخت اقتباس آمریکایی فیلم «بی‌خوابی» و جالفتادن در بدنه هالیوود، پروژه احیای بنمن را نیز دست گرفت.

هنر

چالش شبکه سه با سریال توقیف‌شده‌اش



بختیاری در بعضی دیالوگ‌ها، ظرفیت برداشت‌های متفاوت از این نام خاص را به وجود آورده و موجب نگرانی و انتقاد هم‌وطنان عزیز بختیاری ما شده است. توجه به این نگرانی امری ضروری است. باید اطلاع‌رسانی تصویری در مورد حوادث قسمت‌های آینده سریال درباره شخصیت قهرمان سریال که یک بختیاری اصیل است، در دستور کار شبکه قرار گیرد. کش‌وقوس‌های مربوط به عدم پخش سریال و درنهایت اصلاح بخش‌هایی که باعث ایجاد سوءتفاهم شد، آن‌قدر ادامه داشت تا درنهایت بعد از چهار سال، اعلام شد که از ۱۴ مهرماه سال ۹۶، سریال «سرزمین کهن» به نام جدید «سرزمین مادری» پخش می‌شود.

کمال تبریزی در نیمه تصویربرداری فاز جدید سریال که قرار بر این بود که با نام «سرزمین مادری» روی آنتن برود، به «شرق» گفت: «تغییر مدیریت سازمان در اواخر ساخت فاز دو سریال، باعث شد کار ما متوقف شود و اعلام شد چیزی که در دوره قبل به‌عنوان فیلم‌نامه تصویب شده، مورد تأیید آنها نیست و باید فیلم‌نامه را تغییر دهیم. همان زمان پیشنهاد ما این بود که اجازه دهید روند فیلم‌برداری ادامه داشته باشد و تغییراتی که شما مدنظر دارید، به مرور در جلساتی که برگزار می‌شود، با نویسنده فیلم‌نامه اعمال شود. طبعاً توقف پخش سریال هزینه‌های بسیاری به دنبال داشت، به‌طوری‌که مجموعه‌هزینه‌هایی که برای ساخت فاز یک و دو صرف شد، درحال حاضر کفاف ساخت فاز سه را نمی‌دهد و دوباربر هزینه‌ای که سال‌ها قبل پیش‌بینی شده بود، برای ساخت فاز سه نیاز است و ما همان زمان این نکته را متذکر شدیم. اما متأسفانه نپذیرفتند و گفتند هزینه‌ها را جبران می‌کنیم. در مرحله‌ای که

به مناسبت ۵۰سالگی کریستوفر نولان

حیثیت نبوغ

صرفاً یک سه‌گانه در حد «مرد عنکبوتی» سم ریچی بود، رویکرد جدی و بدیع «بنمن آغاز می‌کند» معیار یک فیلم ابرقهرمانی و سپس با «شوالیه تاریکی» استاندارد کلنی هر بلاک باستر را بالا کشید، ولی در واقع بابت هر بنمنی که نولان ساخت، یک چراغ سبز برای ساخت ایده‌های بلندپروازانه‌اش دست‌خوش گرفت. به ترتیب «حیثیت»، «تلقین» و «میان‌ستاره‌ای» اجرت نولان بابت هر قسمت تریلوژی شوالیه تاریکی بود و پرواضح است که اگر قرار بود نولان به عنوان یک فیلم‌ساز به اصطلاح مستقل اسسم در کند، هر اندازه هم مؤلف و سینه‌فیل‌سند می‌بود، فیلم‌نامه‌ای نامتعارف و گنگ همچون «تلقین» در همان طبقه اول استودیوها به زبانه‌دانی هدایت می‌شد و نولان می‌بایست خواب یک بوده‌جه آن‌جانبی و عوامل حرفه‌ای را برای عملی‌کردن ایده‌هایش می‌دید. جایگاه خاص نولان م‌رولن همین مهارت است که روی باریک‌های که یک‌سویش سینمای نخبه‌گرای گلخانه‌ای و سوی دیگرش سینمای استودیویی است، بندبازی می‌کند. غالب مخالفان نولان نیز در گروه تنگ‌نظرانی هستند که با در عالم دوقطبی نخ‌نمای سینمای هنری–سینمای تجاری باقی مانده‌اند که پیش‌فرضی دارد مبنی بر اینکه هر محصول پرخرج هالیوود حتماً اثری بازاری محسوب شده و فیلم‌های نکرده و ضمن ترسیم یک منحنی شخصیتی، در گنجاندن مفاهیم روزآمد سیاسی و جامعه‌شناختی



زمانی خاصی فیلم می‌سازید، قطعا این اختلاف‌نظر به وجود می‌آید. به‌هرحال باید بپذیریم شخصی که به‌عنوان کارگردان در تلویزیون کار می‌کند، به‌عنوان یک انسان، دارای جهان‌بینی خاصی است. منش و دیدگاه خاص خودش را دارد و طبیعتاً این دیدگاه با فیلم‌نامه‌ای که در دست دارد و عواملی که با آنها همکاری می‌کند، ترکیب می‌شود و نتیجه، خروجی اثر حاصل فکر و نگاه آنهاست. «سرزمین کهن» را اگر من بسازم، به یک شکل است و اگر شخص دیگری بسازد، قطعا به شکل دیگری خواهد بود. باید اجازه داد تا در تلویزیون انعکاس همه افکار اجتماعی را ببینیم».

با گذشت هفت سال از ساخت این مجموعه تلویزیونی و حواشی متعدد چرایی عدم پخش آن، بار دیگر نگاه‌ها به شبکه سه سیما و مدیران تلویزیون معطوف شده است که در نهایت چه تصمیمی برای این سریال خواهند گرفت؟ مدتی قبل علی شادمان، بازیگر مجموعه تلویزیونی «سرزمین کهن» که در ۱۱سالگی مقابل دوربین کمال تبریزی رفته بود، در واکنش به بلاتکلیفی پخش این مجموعه در صفحه شخصی‌اش یادداشتی منتشر کرد و در بخشی از آن خطاب به رئیس سازمان صداوسیما نوشت: «اگر می‌گویید یکی از اهداف مهم‌تان ایجاد دیالوگ با نسل جوان است، پس بیایید برقرارش کنیم. در این روزها که مردم سخت درگیر ویروس منحوس کرونا و مشکلات سربه‌فلک‌کشیده معیشتی هستند و سرگرمی‌ای جز تلویزیون ندارند، به آنها محصولی را ارائه دهید که با پول خودشان تولید شده و برای پخش سریال الف ویژه «سرزمین کهن» تمهیدی کارساز بیندیشید».

هرچند باید به این نکته هم توجه داشت که در ماه‌های گذشته شبکه سه سیما با پخش سریال‌هایی که عمدتاً رضایت بالایی از سمت مخاطبانش نداشته و البته تعطیلی برنامه‌های ورزشی پرخطایی مانند برنامه ۹۰ که همواره شبکه سه سیما را به شبکه‌های پربیننده بدل می‌کرد، درحال‌حاضر با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی پروژه‌ها و البته مخاطبانی که تلویزیون پخش عمده سرگرمی آنهاست، بیش از هر زمان دیگری آتنن این شبکه را به پخش برنامه‌های سرگرم‌کننده ملزم می‌کند. از طرف دیگر برخی معتقدند که بخش عمده‌ای از سوءتفاهم‌های حول سریال «سرزمین کهن» فرامتنی است و این سریال بعد از اعمال اصلاحات انجام‌شده مشکلی برای پخش ندارد و باید به شکل جدی‌تری به سوءتفاهم‌های جاری پرداخت و سعی در برطرف‌کردن آنها داشت. با همه اینها همچنان پخش این سریال در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و مشخص نیست در نهایت به آتنن تلویزیون و شبکه سوم سیما خواهد رسید یا خیر؟

یک ویران‌شهر آخرالزمانی نیز موفق بودند. همچنین از آنجایی که حجت اصلی منتقدان «میان‌ستاره‌ای» پرگویی و توضیحات اضافه و مطلوب فیلم بود، نولان بلافاصله در «دانکرک» یک آتنی‌تر برایش رو کرد؛ اثری فاقد شخصیت اول و کم‌گفت‌وگو که حجم فیلم‌نامه‌اش نصف یک سناریوی معمول بود و همه‌چیز حول تک موقعیت در سه بُعد زمانی متفاوت در زمین و هوا و دریا رخ می‌داد. نولان در این فیلم با زیردستی سکوت را به‌عنوان ابزار اصلی فضاسازی و القای تنش و اضطراب بطنی سراسر اثر (مشابه آنچه در «بی‌خوابی» انجام داده بود) به کار گرفت.

علاوه بر شگردها و ترفندهای روایی برای خلق جهان داستانی و اسلوب کلاسیک کارگردانی نولان اثرجمله طراحی صحنه، فیلم‌برداری، تدوین موازی، عادت‌واره اینسرت‌های کلیدی و رفت و برگشت‌های زمانی، بارقه‌های دیگری از نبوغ نولان را می‌توان در گزینش غافلگیرکننده رابین ویلیامز همیشه مهربان در نقش منفی بی‌خوابی، تاریخ‌سازی نامحتمل با استفاده از هیث لجر در نقش جوکر، عظمت دستاوردهای فنی و تکنیکی در «تلقین» و «میان‌ستاره‌ای»، رقص‌زدن یکی از باشکوه‌ترین تعاملات فیلم‌ساز و آهنگ‌ساز در تاریخ سینما به واسطه همکاری مستمرش با هانس زمر و عمق فلسفی نهفته در لایه‌لای دیالوگ‌های نفرض جست‌وجو کرد. با وجود پختن شاخه‌های جامع‌الاطراف، بی‌مناسبت نیست که با هر بار تماشای یک فیلم از نولان، لایه‌ای جدید از ساختار داستانی متقارب و متلاقی اثرش پیش‌روی مخاطب قرار می‌گیرد؛ آثاری که در تجربه اول بفرج به نظر می‌رسند، چنان که هنوز اختراع اسرارآمیز نیکولا تسلا در «حیثیت» ابرمکعب اتساع زمان در «میان ستاره‌ای» و مقوله خمش ذهن در «تلقین» همچون فرجام مبهم بروس وین در تریلوژی بنمن در هاله‌ای از ابهام گیج‌کننده مانده ولی در زیرمتن این معماها و مفاهیم چندپهلوی و پیچیدگی‌های روایی، درون‌مایه‌هایی قابل تأمل مانند سطره حافظه بر احساس گناه و چیرگی عشق بر تاراج ظالمانه زمان، رقابت مشترک کارنامه کریستوفر نولان جلوه می‌کند، کارگردانی که دستاوردش در سینمای معاصر نه‌تنها ساختارشکنی بلکه اضافه‌کردن بُعد جدیدی به سینماست با فراستی که به‌طور قطع الهام‌بخش چندین نسل فیلم‌سازان نوجو برای تحقق رؤیاهایشان خواهد بود و اشتیاقی از جنس انتظار بی‌صبرانه توده سینماوران چهارگوشه گیتی برای تماشای اثر جدیدش تیت/انگاشته.

زیر آسمان فیروزه‌ای

جشنواره‌های جهانی

زیر سایه کرونا

● درحالی‌که بسیاری از رویدادهای هنری سراسر دنیا، به‌دلیل شیوع ویروس کرونا یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. دراین‌میان برخی از رویدادهای سینمایی به شیوه برگزاری آنلاین روی آورده‌اند و قصد دارند تا از این طریق با مخاطبان و فیلم‌سازانی که هرساله چنین رویدادهایی را پیگیری می‌کردند، همراه شوند. وجود چنین وضعیتی در سراسر دنیا باعث شده تا مدیران جشنواره‌های سینمایی به‌دنبال چاره‌جویی باشند و راه‌های مختلف و البته ایمن‌تری را برای برگزاری رویدادهای هنری انتخاب کنند. در ایران هم بعد از تعطیل‌شدن جشنواره جهانی فجر در اردیبهشت‌ماه، گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره چگونگی برگزاری جشنواره فیلم فجر که در بهمن‌ماه، پا به سی‌ونهمین دوره خود می‌گذارد، وجود دارد. با اوج‌گرفتن بیماری کرونا در فصل سرما، تولیداتی که طبق روال برای نمایش در این رویداد هنری آماده می‌شدند، در شش ماه نخست سال کلید نخوردند. آیا در این شرایط، بازهم جشنواره فیلم فجر برگزار خواهد شد یا مدیران جشنواره امسال تصمیم به برگزاری آنلاین این رویداد هنری می‌گیرند یا درنهایت تصمیم به لغو آن خواهند گرفت؟ اینها پرسش‌هایی است که جواب قطعی‌ای برای آن وجود ندارد و باید منتظر گذشت زمان بود.

دراین‌میان برخی فیلم‌سازانی که پیش از شروع پاندمی ساخت فیلم‌هایشان را به پایان رساندند و نمایش در جشنواره‌های داخلی نداشتند، به صف فیلم‌سازان حاضر در جشنواره‌های خارجی پیوستند و نخستین نمایش فیلم‌هایشان در جشنواره‌های شناخته‌شده جهانی خواهد بود. دراین‌میان فروش صمدی، کارگردان جوانی که بعد از ساخت فیلم‌های کوتاه متعدد و البته تحسین‌شده‌اش در جشنواره‌های خارجی، ساخت نخستین اثر بلند سینمایی‌اش را با همراهی علی مصفا در مقام تهیه‌کننده آغاز کرد، از جمله این فیلم‌سازان است که به‌زودی در جشنواره فیلم تورنتو اثرش نمایش داده خواهد شد.

«خط فرضی»، اولین تجربه کارگردانی فروش صمدی در بخش دیسکوری جشنواره تورنتو نمایش داده می‌شود. سحر دولتشاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی و آرتیا حاجیان از بازیگران این فیلم ۸۳دقیقه‌ای هستند. داستان درباره یک معلم مدرسه در تهران است که خود را برای شرکت در یک مراسم عروسی در شمال ایران آماده می‌کند. وقتی شوهرش ناگهان او را رقتن به مراسم منع می‌کند، زن تصمیمی می‌گیرد که او را در مسیری دردناک قرار می‌دهد. جشنواره فیلم تورنتو بخش مسابقه رسمی و هیئت داوری ندارد اما در پایان جشنواره، بهترین فیلم با آرای تماشاگران انتخاب می‌شود. آنها آرای خود را یا در صندوق می‌اندازند یا به‌طور آنلاین انتخاب می‌کنند.



جشنواره تورنتو نقطه شروع فصل جوایز سینمایی و آشنایی با رقبای احتمالی اسکار است. جشنواره تورنتو امسال به خاطر شیوع کرونا، به‌صورت تلفیقی از رویدادهای فیزیکی و نمایش آنلاین فیلم‌ها برگزار می‌شود و خیلی از فیلم‌ها در درایوین سینماها روی پرده می‌روند. همان‌طوره‌که از قبل اعلام شد، نسخه فیلم‌شده اسپایک لی از نمایش موفق «اتوبیای آمریکایی» اثر دیوید برن، فیلم افتتاحیه جشنواره تورنتو امسال است.

از سوی دیگر جشنواره بین‌المللی فیلم هنگ‌کنگ امسال قرار بود از تاریخ ۲۴ مارس تا ششم آوریل (پنج تا ۱۸ فروردین) برگزار شود که بنا بر اعلام مسئولان، این رویداد سینمایی به سبب شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاد و بنا بر این بود که در ماه آگوست برگزار شود اما موج جدید شیوع ویروس کرونا در نهایت مسئولان جشنواره را ناگزیر به لغو دوره چهل‌وچهارمین این رویداد سینمایی کرد. این رویداد سینمایی فهرستی از آثار پذیرفته‌شده در جشنواره را با هدف حمایت از این آثار سینمایی منتشر کرد اما هیچ‌یک از فیلم‌ها به‌دلیل لغو جشنواره، نمایش فیزیکی یا آنلاین نخواهند داشت و فقط هیئت داوران جایزه فیشرشی (انجمن بین‌المللی منتقدان سینمایی) و جایزه «فایر‌بر» به‌صورت آنلاین به داوری و انتخاب برندگان اقدام خواهند کرد. امسال فیلم «یگانه» به کارگردانی نادر ساعی‌ور در بخش رقابت اصلی (رقابتی سینمای جوان) این رویداد سینمایی انتخاب شده بود. همچنین نسخه ترمیم‌شده از سه فیلم ساخته عباس کیارستمی شامل «بزرگداشت معلم»، «قضیه شکل اول، قضیه شکل دوم» و «دو‌راجل برای یک مسئله» نیز قرار بود در بخش کلاسیک جشنواره هنگ‌کنگ به نمایش گذاشته شود.